

نقش معماری در رمز آئینه سفال

در جستجوی نقش نشان

مؤسسه فرهنگی ایگوموس ایران

(وابسته به) شورای بین المللی بناها و اماکن تاریخی (یونسکو)

محمد مهریار

سر آغاز:

مستند سازی علمی شایسته، خصیصه های بارز هریک را ستوده اند.

پیشینه در خشان ایرانیان در پدید آوردن زمینه های گسترش فرهنگ و آفرینش های هنری، آداب شهرنشینی و فنون آبادانی و پدید آوردن پردیس های سرسبز آراسته به آب نماهای جوشان، استخرهای موزون، باغ پردازی و فراهم آوردن کلان عرصه های عمومی شهری، همچون راه و راهداری، ریاط و کاروانسرا، بازار، و پرداختن به آفرینش های ویژه در چار دیواری های خصوصی، شایان توجه معمرین، هنرمندان، فرهنگمداران، دانشگاہیان، برنامه ریزان امور شهری و معماران نسل حاضر است.

با وجود چنین ارزش های بی همتایی که هر یک شناسنامه ای فرهنگی در حوزه اقلیمی بستر خود هستند، قرن ها است که در جای خود نشسته بوده اند، با برنامه هایی ناپاجتهدید می شوند، همانند توسعه طلبان امروزی که به بهانه هایی همچون پیشرفت و رفاه مردم همه عرصه مسکون را تملک کرده اند و در اشغال فضای زیست محیطی افراط کرده سهمی برای جانوران و آبیان

پردیس های شاداب، باغ های سرسبز و دیگر دستاورد های شگفت آفرین هنرمندان این سرزمین از آب، خاک، باد نور و اندیشه، یادگارهایی است کهن که ریشه در پرده های تو در تو تاریخ و ابهام در گذشته های از یاد رفته دارد.

با این که پیشرفت های روزافزون و شگفت آفرین علمی - صنعتی و گسترش فرهنگی و غلبه جهان غرب طی قرون اخیر با سیر نزولی و درهم فرسوده شدن نظام اقتصادی - اجتماعی تولید سنتی، بویژه بروز مظاهر مادی این تقابل در کشورهای شرقی همراه بود. جذابیت های علمی - هنری مانده از میراث فرهنگی این مرز و بوم، دانشمندان و هنرشناسان بسیاری را بر آن داشت تا هریک در زمینه تخصصی خود به کشف و شهود پرداخته و با دیدگاه غیر شرقی خود ولی عاشقانه، تحقیقاتی را با سخت کوشی و پیگیری سرانجام دهند.

یافته های علمی منتشر شده از سوی ایشان طی یکی دو قرن اخیر و حتی پیش از این زمان، نشانگر آن است که پیشینه هنری و معماری ایرانی برای جهانیان شگفت آور، آموزنده و درخشان بوده است، مانده های نمونه هایی را توصیف نموده و ضمن

و گیاهان نه در آسمان و نه زمین و نه دریا قائل هستند. عرصه های زیستی دچار سوذجویی های مالکانه افرادی قرار گرفته است که نسل ها پس از شکل گیری و پیدایش و بهره برداری از آبادی این عرصه های تاریخی به دنیا آمده اند و حال با دست و پا کردن سندی قانون پسند، مدعی مالکیت زمین بستر بنایی چند صد ساله یا چند هزار ساله شده، بی مهابا به تخریب آن می پردازند.

شایان توجه است که در فضاهای آموزشی فرهنگی، نسبت به هنر، معماری و شهرسازی همه نقاطی از جهان که مورد توجه استاد است. محور مطالعاتی رونق دارد، ولی بلحاظ نا آشنایی ایرانیان به فضای معماری و تاریخ هنر سرزمین آباء و اجدادی خود، بجز تحقیقات بیگانگان با دیدگاه های غیرایرانی، تحقیق و بررسی در این محور هرگز آغاز نشده تا رونقی بخود گیرد. شگفت این که هنوز تدارک مقدمات تنظیم تاریخ هنر و تاریخ معماری و شهرسازی ایرانی در برنامه کار قرار نگرفته است.

هرچند که زمان از دست رفته است و تا به امروز بسیاری از نمونه های شایسته معماری این سرزمین نابود شده، و آغاز کار دشوار و دشوار تر از زمانی است که معماران نجیب و فرهیخته نسل های پیشین هنوز متواضعانه توان آفرینش های اصیل خود را داشتند. و هرچند هم ابعاد این گونه تحقیقات بسیار گسترده و ژرف است و فراهم آوردن زمینه های آموزشی برای پاسخگویی به پیش نیازهای شایسته آن حمایت هایی همچون اراده ملی و اقتدار حکومتی طلب می کند، اما در هر حال راهی است که با همه کاستی ها شایسته پیمودن است.

آسیب هایی فراتر از فرسایش و پوسیدگی کالبدی و گزندهایی فراتر از زلزله و سیل و طوفان، همچون بی مهری به اسناد ارزشمند پیشینه تاریخی و غیبت چشم اندازهای فرهنگی در کلان برنامه ریزی محورهای گسترش تجاری پیشرفته، عرصه های فرهنگی شهرهای کهن، بازارها، بناها و اماکن تاریخی را به ویرانی و انهدام قطعی تهدید میکند، در فعل و انفعالات گسترش فعالیت های عمرانی و نوآوری های بی بنیاد ساخت و

سازهای شهزی، بسیاری از ارزش های فرهنگی تاریخی بی همتایمان را حتی پیش از شناخت ارزش هنری - تاریخی شان به تاراج رفته یا عنقریب بدون مستند سازی نشانه های علمی پراج آن ها برای آگاهی آیندگان، به یغما خواهند رفت.

در همین حال سالیانی است که علاقمندان بناهای کهن و اماکن تاریخی، به ضرورت تأسیس انجمن حفظ بناهای تاریخی و اماکن باستانی می اندیشند، باشد که با تشکیل انجمن های ملی و پیوستن به «شورای بین المللی بناها و اماکن تاریخی»^(۱) وابسته به یونسکو، که به اختصار «ایکوموس» شناخته شده است، راه روشن تری برای شناسایی، ماندگاری بیشتر و حفظ ارزش های معماری اصیل بومی گشوده شود.

انتشار آگهی تأسیس «مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران» در روز نامه رسمی ۲/۸/۱۳۸۰ نشانگر آن است که مراحل قانونی تشکیل این مؤسسه به طور رسمی طی شده و عنقریب جهت آگاهی عموم علاقمندان بناها و اماکن تاریخی و آغاز فعالیت های فرهنگی رسماً اعلام وجود خواهد نمود.

آرم یا نقش نشان «شورای بین المللی بناها و اماکن تاریخی» یونسکو که مرکز آن در شهر پاریس است، شمای اسبی بالدار بر زمینه شمای کرد زمین است که در شکلی بیضوی محاط مانده است.

از آن جا که معماری ایرانی در طول تاریخ کهنسال این سرزمین دارای هویت بارز جهانی و شئونات ارزنده هنری، فنی، و مردمی است، چنین ترکیبی از اسب بالدار در پیشینه تاریخی فرهنگ ایرانی غریب و نا آشنا است، جستجوی نقش نشانی آشنا و متکی بر هنر والای این سرزمین در برنامه کار هیأت مؤسس (کمیته ملی ایکوموس ایران) قرار گرفت.

۱ - شورای بین المللی بناها و محوطه های تاریخی که اختصاراً ایکوموس نامیده می شود نهادی است غیردولتی و وابسته به یونسکو که کمیته های ملی کشورهای عضو به موجب ماده ۱۳ اساسنامه آن تشکیل می گردد. در این اساسنامه کمیته ملی ایران به نام مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران نامیده می شود. برگرفته از مقدمه اساسنامه مصوب (مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران)

با تنظیم نوشته های پیش رو کوشش شده است. ضمن معرفی طرح مصوب نقش نشان مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران، در باره پیشینه این نقش و مفاهیم مستفاد از آن مبحثی را در اتکای به ارزش های والای اسناد تاریخی از یاد رفته و پیشینه نقاشی در این سرزمین گشوده گردد.

پیش زمینه طرح:

از قراین موجود چنین برمی آید که پیش زمینه هنر نقاشی، پیدایش سطح هموار در پهنه زیستی دم دست انسان دوران سنگ بود، از این جمله جداره سنگی غار مسکونی اش بود که جلودگاه آفرینش های هنری وی گردید.

موضوع نقاشی های این دوره را سفره حیات وحش و صحنه های شکار اعم از شکار یا شکارچی تشکیل می دهند که شامل نقش انسان و انسان شکارچی، پستانداران شکاری همچون گاو، گوزن و بز است.

پس از استقرار انسان در دشت و اتکای وی به معیشت کشاورزی و دامداری، که با تحولات نوظهوری در جامعه بدوی همراه بود، پیدایش آئین های پیشرفته تری نیز بر آن متصور است این فرایند، با تقسیم کار و پیدایش تخصص و گسترش رشته های هنری و فنی سرانجام گرفت.

پیدایش سفال (ساده) و گسترش بهره برداری از آن در متن زندگی روزانه مردم آن روزگار، خاطرۀ سنگ های هموار جدارۀ غار مسکونی را در ذهن هنرمند پیش از تاریخی زنده کرد و دیری نپائید، این بار هنرمندان در زمینه وسوسه انگیز ظرف های سفالی به نقش آفرینی پرداختند و سفال همچون آئینه ای زلال جلوه گر زندگی مردم پیش از تاریخ گردید و ایشان هر آن گونه که خود احساس میکردند با اهمیت خود چنان ثبت کردند که اینک از پس هزاران سال، هنوز همان جلوه را به دریافت کنندگان امروزی مخابره می کنند.

چنین به نظر می رسد که از این پس تحول تازه ای در طبقه اجتماعی و شخصیت هنرمند نقاش، زبان و بیان نقاشی و بستر

آفرینش های هنری وی پدید آمده باشد. تا جایی که می توان به گمان تخمین زد که حتی هنر نقاشی در مبادله های اقتصادی و رونق معامله های پایاپای میان اقوام و جماعت های همسایه نقشی مؤثر و رقابتی داشته و در رواج انگیزه های هنری، بیان موضوعی و تبلیغ پیام های آئینی کاربری نوینی پیدا کرده باشد.

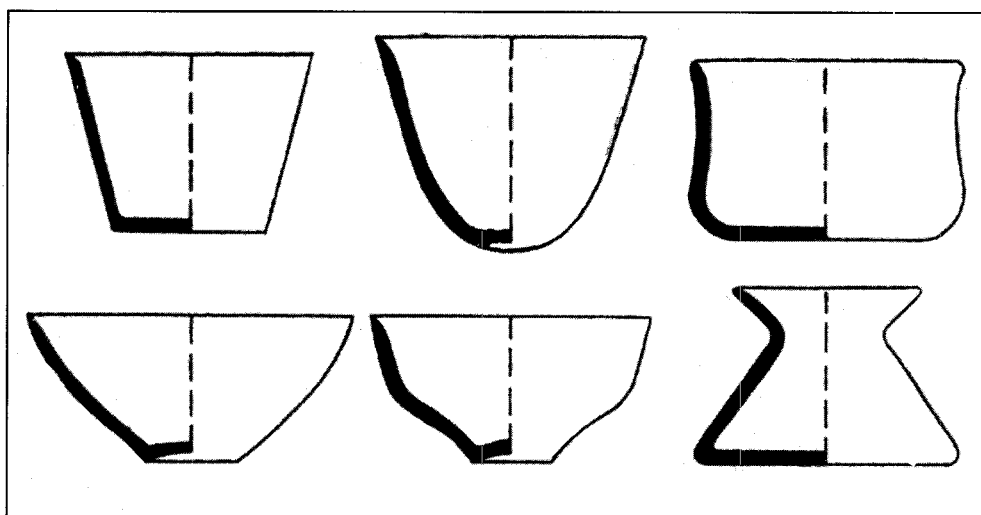
تنوع موضوع های نقاشی نسبت به دوران غارنشینی، افزایش چشمگیر یافته و جزئیاتی گوناگون از چشم اندازهای هنرمندان پیش از تاریخی را شامل شده است که در پیرامون خود با آن سر و کار داشته اند.

نقش آفرینی های هنرمندان پیش از تاریخی از چشم اندازهای خود جز ارزش هنری و تزئینی، به لحاظ ارزیابی پیشرفت های علمی جامعه همزمان با تهیه طرح نیز شایان توجه به نظر می رسد. با این باور نقش های ظروف سفالی خود همچون کتابی مصور، گزارشگر آفرینش های علمی، ترکیب معماری و نمایش درون و بیرون بنا و بسیاری از نکات مربوط به خلق و خوی آئینی، رفتاری، معیشتی زمان طرح اندازی سفال هستند.

از این رو با توجه به اهمیت اسناد مربوط به خواص مواد در امور سالیابی و همچنین مدارک کالبدی موجود در محوطه باستان شناسی، تجزیه و تحلیل های مستند باستان شناسی از اولویت شکل گیری لایه ها و همجواری خرد و ریزهای درون آن ها، موضوع طرح نقوش خود سندی معتبر و گویا به شمار می رود.

کمتر متصور است که جلودای از تمدن و دست یافته های پیشرفته بر نقش سفال دورای قبل از آن منعکس باشد که هرگز نمی توانست از آن خیر داشته باشد. یا موضوعی پیش پا افتاده، مورد اعتنای هنرمند نقاش سفال دوران پیشرفته تر قرار گیرد.

در صورتی که آغاز پیدایش سفال نقش دار پیش از تاریخی و رواج آن به زمانی در حدود هزاره های پنجم و ششم پیش از میلاد نسبت داده شود، و این که تعادلی در پیشرفت های نسبی این دوره به لحاظ شیوه ساخت و همانندی موضوع طرح برای نقش سفال ها باشد، تفاوت هایی میان نقش سفال ها بر حسب اقلیم و



(شکل - ۱): طرح ظروف های سفالی طبقه اول سیلک (کاشان). کتاب مرجع: ص. ۱۲۶. ش. ۳۵.

در ابتدا در قشر یک و دوی این طبقه فقط داخل ظروف را نقش می کردند و این نقش عبارت بود از خطوط موازی و هاشورها و مثلث های هاشور زده و خطوط شکسته خطوط افقی موج دار، لک های سیاه دایره ای شکل و خطوط دندانه دار موازی. در قشر سوم این لایه هر دو طرف ظرف مزین به نقوش هندسی است.^(۲) (شکل ۲)

برخی دیگر از طرح ها با خط های موجی، موازی، متقاطع، شطرنجی، منحنی، حلزونی در جهات گوناگون مورب، چپ - راست یا بالا - پائین رسم شده اند. در برخی نیز طرح هایی ترکیبی و منفردها از شکل های هندسی به چشم می خورد، همچون دایره، مستطیل، مثلث، لوزی.

در شرح سفال های لایه (1A) تپه حصار دامغان آمده است: «موضوع نقوش به قرار زیر است، نقوش هندسی خالص: ماریج، دندانه دار، خطوط افقی موازی، گل و برگ (برگ خرما)، درخت هایی که شاخه هایش مرکب از ماریج ها است.»^(۳) (شکل - ۳)

در میان نقش های گوناگون سفالینه های پیش از دوران تاریخی، طراحی برخی از آن ها چنان استادانه است که در نخستین نگاه با شاخصه های ملموسی که دارند، قابل شناسایی

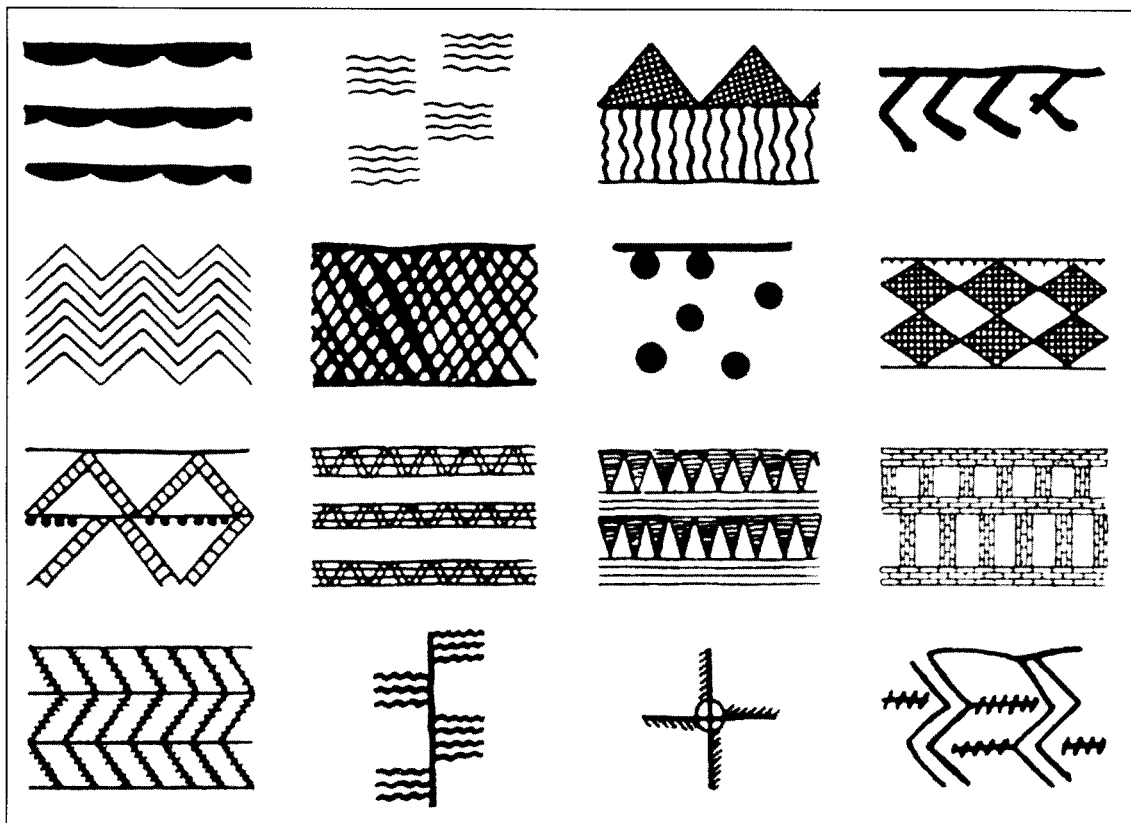
همسایگی آن ها متصور است، که فراتر از موضوع بحث است، ولی با این مقدمه می توان با ذکر موقعیت جغرافیایی آثار شناخته شده، ردیفی معین از نقش های گوناگون منتشر شده در کتاب مرجع این نوشته ها را برحسب موضوع نقش، طبقه بندی کرد. برخی از نقش ها دارای طرحی هندسی و ساده هستند و با خط هایی نازک یا ضخیم و همچنین سطوح توپر یا هاشوری (در جهات گوناگون) آراسته اند.

در شرح نمونه های نقش سفال در لایه های طبقه اول سیلک (کاشان) آمده است:

«سفال طبقه اول منحصرأ با دست و بدون استفاده از چرخ نرزه گری ساخته شده، آن طور که در کوره به صورت نامنظم پخته میشد و از نظر فن کوزه گری به چهار دسته تقسیم می شود.

الف - سفال کمرنگ با نقوش سیاه.

ب - سفال قرمز تیره یا آجری مزین به نقوش سیاه رنگ. این سفال از قشر شماره ۲ در طبقه اول ظاهر می گردد. شکل ظروف بسیار ساده است و عبارت است از: جام، روغن داغ کن با پایه محدب، نقش این سفال کاملاً هندسی است و شباهت زیادی به ظروف سیدی دارد.»^(۱) (شکل ۱)



(شکل ۲): نقش‌های هندسی بر ظرف‌های سفالی طبقه اول سیلک (کاشان) کتاب مرجع: ص ۱۲۶، ش ۳۶ -

هایش بالای هم قرار گرفته و مارهایی که روی بدن خود ایستاده‌اند و مثلث‌های گوشه‌دار. در میان این نقش‌ها شکل حیوان زیاد دیده می‌شود مانند افعی و پرنندگان و سگ و شیر و حیوانات شاخدار و ببر و شتر. انسان هم در میان نقوش دیده می‌شود. در ابتدا به نقوش هندسی تمایل بیشتری بود ولی اکنون نقش انسان و حیوان بیشتر

هستند، همچون ردیفی از جوجه‌های پرنده، پرنده شناور، ماهی، اردک، لک‌لک، شاهین، پرواز، ستاره هشت پرده، گل پنج برگ، پلنگ، روباه، عقرب، انسان، خرگوش، بزشاخدار، گاو، قوچ، شتر، لاک‌پشت، خرچنگ، مار، گیاه، درخت.

در شرح نقش سفال در لایه‌های هفت‌گانه طبقه سوم سیلک

(کاشان) آمده است:

«طبقه سوم سیلک دنباله طبقه اول و دوم است و به هفت

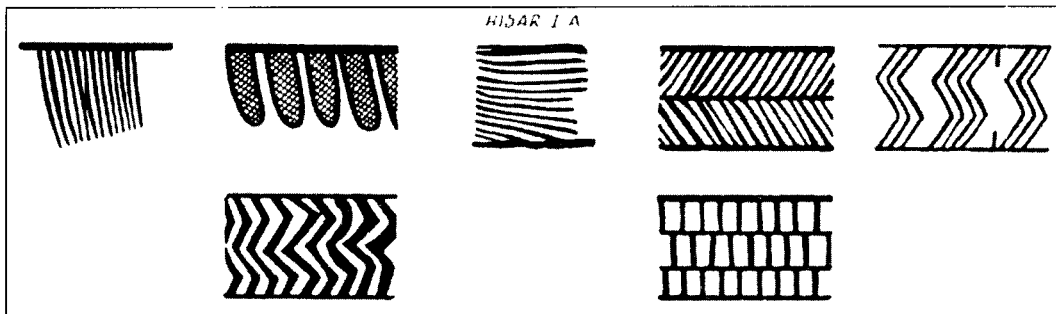
قشر تقسیم می‌شود. در طبقات پائین شکل خشت‌های بیضی منظم نبود ولی در این طبقه شکل آن‌ها منظم می‌شود و وضع مستطیل به خود می‌گیرد و با قالب ساخته می‌شود.

روی بعضی ظرف‌ها چندین شکل با هم جمع شده است، مانند ردیف پرنندگان و درختی شبیه به مارپیچ که شاخه

۱ - طرح هندسی نقش سفال دوران پیش از تاریخ، برگرفته از شرح سفال در لایه‌های طبقه اول تپه سیلک (کاشان). لویی و اندنبرگ، کتاب باستان‌شناسی ایران باستان، ترجمه عیسی بهنام، ص ۶-۱۲۵ و شکل ۳۵ و ۳۶.

۱ - برگرفته از: همان منبع، کتاب باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. ص. ۱۳۰-۱۳۲، شکل ۳۶. انتشارات دانشگاه تهران. سال ۱۳۴۸.

۲ - برگرفته از همان منبع، لایه اول تپه حصار دامغان: ص. ۱۱ و ۱۲، ردیف: ۱-۷، شکل ۴.



شکل ۳ - نقش های هندسی ردیف ۱-۷ بر ظرف های سفالی لایه (IA) تپه حصار (دامغان). کتاب مرجع: ص. ۱۲، ش. ۴.

مورد توجه بوده است.

کرد و شکل‌هایی تجریدی زینت بخش ظرف های سفالی گردید. روشن نیست که چه اتفاقی یا اعتقادی آئینی بروز کرده بود که موضوع نقش روی ظرف‌هایی را که برای گردآوری، نگهداری، آماده سازی و پختن غذا می ساخت، به صورتی فراگیر به نقش آفرینی شکل‌هایی پرداخت که امروزه آن‌ها را نقش‌هایی هندسی می‌خوانیم که جان کلام آن، خود محور علمی است، متکی بر قانون مندی های ریاضی.

با این حال پس از طی دوره ای نه چندان طولانی، محدودیت موضوعی نقش روی ظرف سفالی بطور کامل مرتفع گردید و این بار انسان هنرمند پیش از تاریخ نه تنها محدودیت ترسیم اشکال هندسی را شکست، با توانم فوق العاده از اندیشیدن تنها به سفره شکم یا فقط غیر شکم رها گردید و هر آن چه در پیرامون خود حس میکرد، اعم از هر آن چه که میدید و یا حتی نمی دید، ولی به صورت آن می‌اندیشید، تسلط یافت و این بار هم غذا و هم غیر غذا و هم هر چیز دیگر را بر پرده های پر از راز و رمز سفال با

کنایه‌ای که جزو نقش های شکل چهار، نشان دهنده آن است که نقش های هندسی در ردیف های ۱-۱۰ در بالای جدول و مقدم بر دیگر گروه های جدول تنظیم گردیده است.

در میان شکل: نقش های هندسی همراهِ با نقش های گیاهی و نمادهای طبیعی در ردیف های ۲۰-۱۱ به چشم می‌خورد.

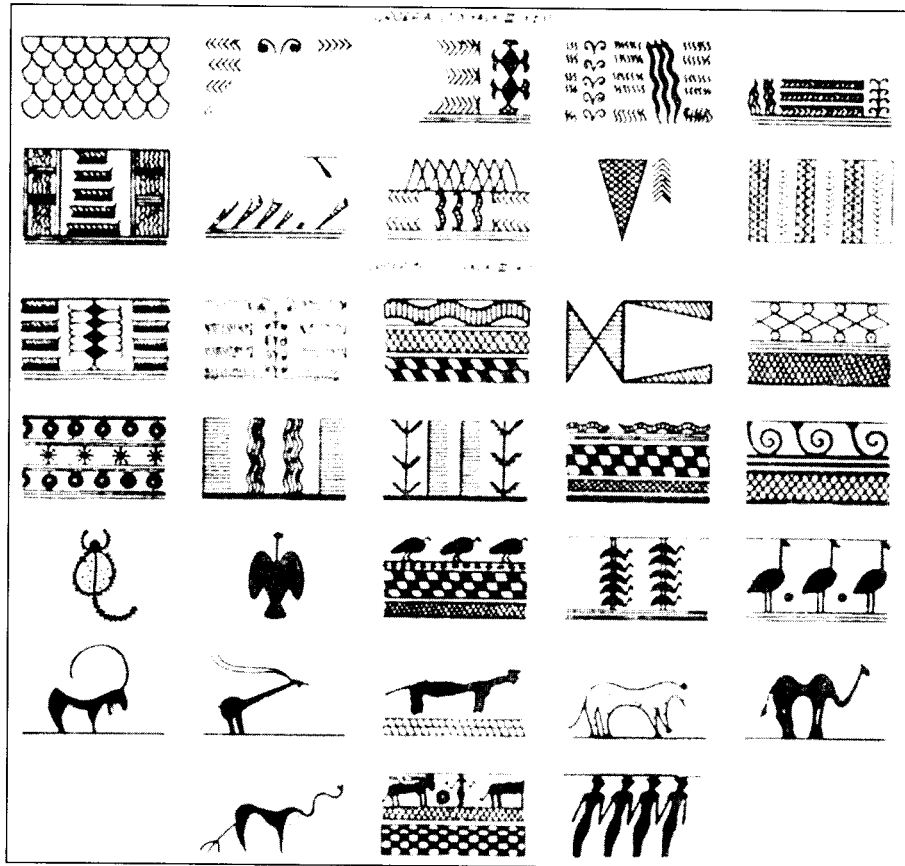
در پائین شکل: نقش های حیوانی و انسانی و نمادهای طبیعی در ردیف های ۲۳-۲۱ بر ظرف های سفالی لایه های هفت گانه طبقه سوم سیلک (کاشان) نقش بسته است.

نقش سفال های لایه های چهار تا هفت دارای بیانی رساتر ولی ضح‌هایی پیچیده، با ترکیبی موزون از فضای پیرامون خود دارند که بازتابی از احساس و بیان هنرمندانه نقاشان و سفالگران دوران پیش از تاریخ است. شایسته توجه بیشتر خواهد بود که شرح و معرفی نقش آن‌ها نیز با حوصله و بضاعتی درخور ارزش های فرهنگی هنری این اسناد گران قدر صورت پذیرد.^(۱)

(شکل - ۴)

انسان هنرمند پیش از تاریخ که گرایش به نگارگری را با موضوع سفره غذا، شکار و شکارچی آغاز کرده بود، در دوره ای نه چندان طولانی روزه نقاشی گرفت و با پرهیز از نقاشی موضوع غذا، نقش‌هایی با شکل های هندسی جای محور غذا را پر

۱ - برگرفته از طبقه سوم سیلک (کاشان): ص. ۱۲۹ - ۱۳۱، ردیف ۱ - ۱۰ بالا و ردیف ۱۱ - ۲۰ میانی و ردیف پائین ۲۱ - ۳۳، شکل ۴۲، کتاب: باستان‌شناسی ایران باستان.
۲ - برای مشاهده دیگر نقش سفال‌ها در لایه های هفت گانه طبقه سوم سیلک (کاشان) نگاه کنید به: شکل ۴۲، کتاب باستان‌شناسی ایران باستان.



(شکل - ۴): نقش ظرف های سفالی سه لایه از لایه های هفت گانه طبقه سوم سیلک (کاشان). کتاب مرجع ص: ۱۳۲، ش: ۴۲
 بالای شکل: نقش های هندسی در (ردیف ۱۰ - ۱۱)
 میان شکل: نقش های هندسی همراه با نقش های گیاهی و نمادهای طبیعی در
 (ردیف ۲۰ - ۱۱)
 پائین شکل: نقش های حیوانی و انسانی و نمادهای طبیعی در (ردیف ۲۳ - ۲۱)

«مهم ترین این موضوع ها مرغ های آبی و بزهای کوهی و
 بیرها هستند.

از لایه (IB) به بعد گاهی نیز از چرخ کوزه گری استفاده
 شده است، نقش آن ها خاکستری تیره یا قهوه ای تیره است
 که روی زمینه قهوه ای روشن قرار داده شده است. در این
 دوره سفال خاکستری شفاف پدیدار می گردد. بعلاوه
 مجسمه های کوچک حیوانات از جنس گل پخته و
 مجسمه های کوچک انسان در این طبقه دیده می شود و نیز
 مهرهایی از جنس مس و سنگ و گل پخته یا خمیر
 مخصوصی از ترکیبات قیر در همین طبقه پدیدار می گردد

مضمون ظرف غذا متبلور و جاویدان ساخت.

روند سیر تحولات نقش های تزئینی، در این دوره شکوفای
 آینده ساز پیش از تاریخی، که در برخی از محوطه های باستانی
 (تا پیش از جنگ جهانی دوم)، توسط دانشمندان باستان شناس و
 هنرمندان ایران شناس غیربومی مستند نگاری گردیده است،
 درجای خود شایسته توجهی به مراتب فراتر از این یاد آوری
 کوتاه است، ولی بر حسب ضرورت در این مقال به نقل قول
 مستند مواردی معدود از آن ها اکتفا می گردد.

در شرح نمونه های نقش سفال در لایه (IB) تپه حصار
 دامغان آمده است:

ولی در طبقه بعدی سفال منقوش بکلی از میان می‌رود و سفال خاکسنری شفاف جای آن را می‌گیرد.»^(۱) و نیز در شرح نمونه های نقش سفال تپه موسیان (در حدود ۱۵۰ کیلومتری شمال غربی شوش قرار دارد). آمده است:

«در این تپه سفال هایی پیدا شده است که خصوصیت ممتازی دارد. خمیر این سفال زرد رنگ یا سبز رنگ است و نقوش آن به رنگ قهوه ای یا سیاه و به ندرت به رنگ قرمز تمایل پیدا می‌کند. این نقوش شباهت به نقوش شوش اول دارد.

موضوع هایی مرکب از خطوط هندسی که در روی آن دیده می‌شود به نقوش سفال «العبد» شباهت پیدا می‌کند و یا کاملاً نظیر آن است. بعضی از نقوش هندسی خصوصیات مشخصی دارند، مانند صلیب یونانی لبه دار، لوزی های دنباله دار، شکل هایی شبیه به عدد ۷ و دایره هایی شبیه به قرص خورشید.

درخت خرم‌ما در این نقوش به صورت مخصوصی در آمده است. نقوش مرغان آبی زیاد است و پای آن‌ها مانند نردبان دندانه دار شده است. حیوانات نقش شده، عبارتند از:

کفتار با پاهایی شبیه به اره، بزکوهی به صورت مصنوعی، بزهای کوهی با شاخ های دندانه‌دار و نقش انسان هایی که دست هایشان را بلند کرده‌اند، بعضی از این نقوش قدیمی تر از نقوش سفال طبقه اول شوش است.»^(۲) (شکل ۵- الف)

همین طور در شرح نمونه های نقش سفال طبقه پنجم تپه گیان (در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب غربی نهاوند قرار دارد). آورده است:

« طبقه پنجم قدیمی ترین طبقه تمدن این تپه بود. در این طبقه سفالی بازمینه زرد و یا سبز کم رنگ، با نقوش سیاه به دست آمد. طرح این نقوش عبارت است از خطوط هندسی، مانند دندانه و خطوط شکسته و مثلث هایی که از یک طرف به هم متصل هستند و تبر دوسر، صلیب

متساوی الاضلاع، لوزی، چارخانه و دوایری که داخل آن‌ها تزئین شده است. به علاوه روی این سفال موضوع های نباتی نیز نقش شده بود و از ۱۴ متری به پائین مارها و ردیف مرغان آبی و بزکوهی و پلنگ ایز دیده می‌شد. سفال طبقه ۵ گیان حد فاصل میان سفال (ناحیه شمال) سیلک ۳ و (نواحی جنوب) موسیان، طبقه اول شوش و تل بکون است.»^(۳) (شکل ۵- ب)

در نگاه نخست، جز مواردی که به آسانی قابل تشخیص هستند، درک پیام برخی از طرح‌های ترکیبی یا منفرد، نیازمند آگاهی بیشتر و برخی تخصص و تجربه هستند و در مجموع پیچیده و گاه مجرد یا گنگ به نظر می‌رسند. آن چنان که با مذاقه بیشتر در باز خوانی مفاهیم نقوش و دریافت مفاهیم دقیق‌تر پیام آن‌ها تردید دست می‌دهد تا جایی که نسبت به موارد به درک نشسته قبلی نیز دوگانگی و ابهام پیش می‌آید.

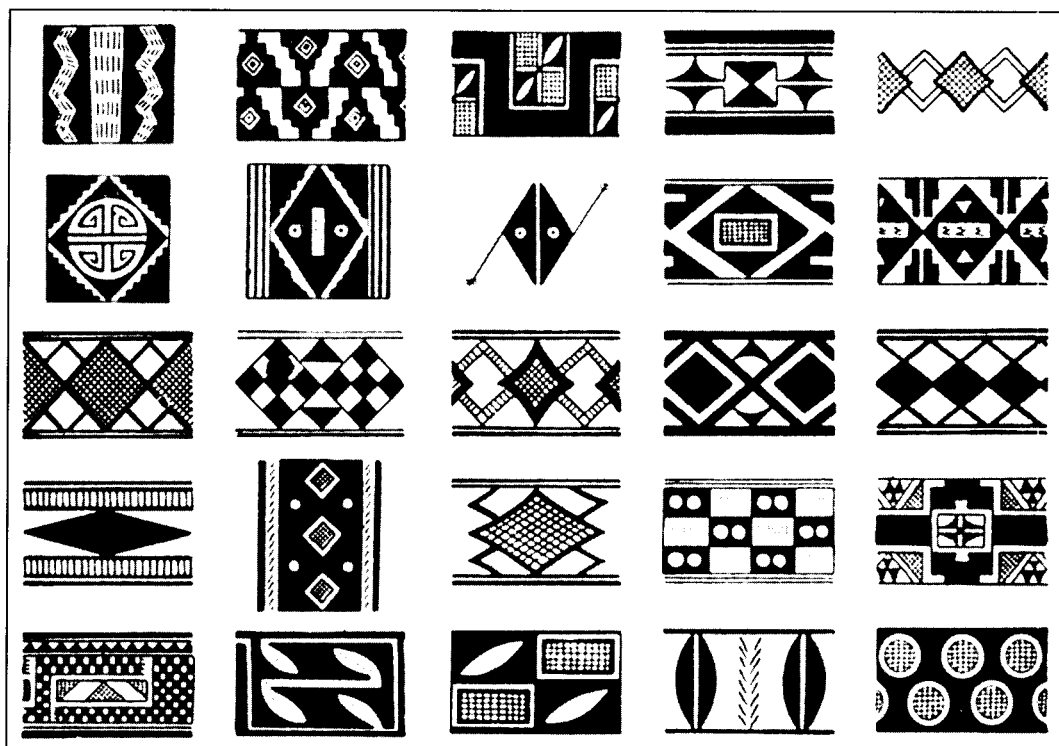
« سفال رنگین طبقه (۱ - ۴) تل بکون (A) خمیری ظریف و بدون غل و غش دارد که با چرخ کوزه‌گری ساخته شده است. رنگ خمیر غالباً در نتیجه یکنواخت نبودن آتش شدید و ضعیف شده است، شکل این ظروف بسیار متنوع است، کاسه های نوک دار که لبه آن صاف یا برگشته است، کاسه های آبخوری، کوزه آبخوری، کله قندی شکل، ته‌گرد و آبخوری های پایه بلند.

نقوش این سفال مستقیماً روی زمینه "شیر و قهوه‌ای" رنگ ظروف قرار داده شده و پس از این که به کوره رفته رنگ آن کمی تغییر یافته و مبدل به قهوه‌ای تیره یا قرمز نزدیک به قهوه‌ای گردیده است. نقوش این سفال به سادگی نقوش دیگر سفال منقوش نیست و غالباً وضع پیچیده‌ای دارد و

۱- شرح نقش ظرف های سفالی لایه (1B) تپه حصار دامغان، برگرفته از: ص. ۱۱-۱۳، همچنین در ارتباط با نقوش ردیف: ۱۳-۲۲. شکل ۴. کتاب مرجع.

۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به کتاب مرجع: ص. ۸۴-۸۶ ش. ۲۵.

۳- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به کتاب مرجع: ص. ۸۷ و ۸۸ ش. ۲۷.



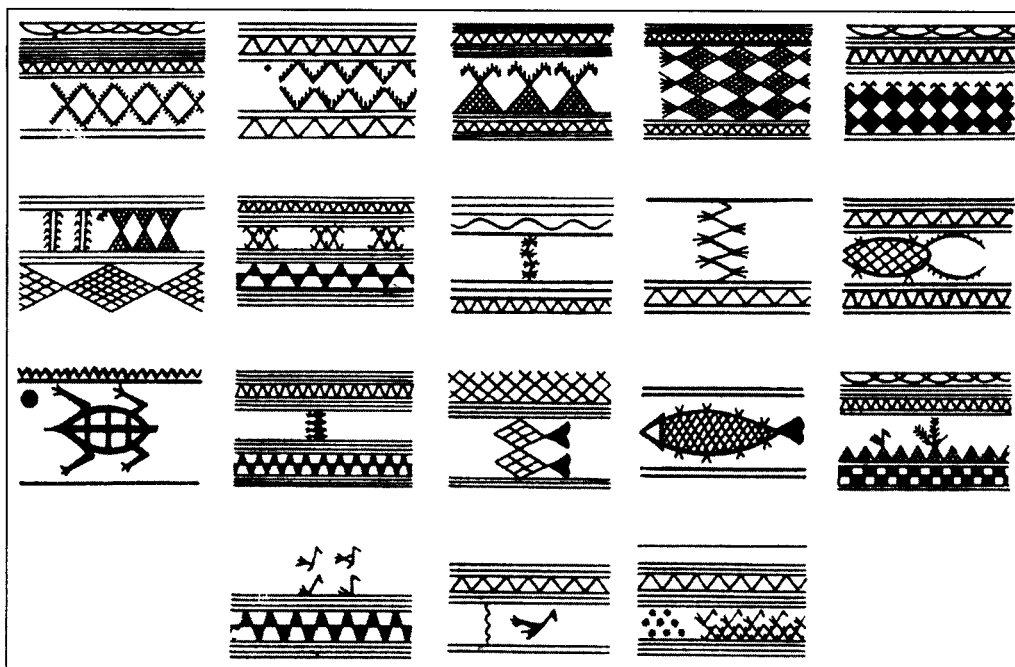
(شکل ۶ - ۱): طرح معمارانه در نقش ظرف های سفالی در (طبقه ۴ - ۱) تل باکون (A) (فارس نزدیکی تخت جمشید). کتاب مرجع: ص. ۴۰. ش. ۸ الف.

شباهتی با سازه های ساختمانی داشته باشند، نمایشگر ترکیبی آشنا از فضا هستند که در این مقال نقش معمارانه نام گرفته اند. شاید بازتاب گوشه فضای مصنوعی روزگار باستان هستند. نمونه هایی از این گونه طرح های هندسی ساده و گاه ترکیبی که درک آن پیچیده به نظر می رسد، به لحاظ همانندی برخی از سایه روشن های آن ها با ترکیب نقشه های موضعی معماری و جزئیات تزئینی سامان دست ساخته مردم آن زمان، و همچنین برخی از نقوش هندسی و آهنگینی که تجریدی یا تمثیلی به نظر می رسند و نشانه های آن ها یادآور یا مشابه فضایی بی مقیاس از معماری هستند، در این مقال «معمارانه» نامیده شده است، شاید که نمونه هایی از این گونه طرح ها شاخصی بر باور های اعتقادی و آئینی باشد که بر که برحسب رعایت آداب و رسوم یا کارائی ویژه ظرف در مراسم آئینی بر برخی از ظرف های سفالی

۱ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به ص. ۴۱ و همچنین به نقش های شکل (۷) و (۸ الف) و (۸ ب). همان منبع.

پیچیدگی در نقوش هندسی زیادتر می شود. با این حال ممکن است این نقوش را به چند دسته تقسیم بندی کرد. یک عده از نقوش نماینده نباتات و حیوانات است (ماهی، مار، عقرب، مرغ های آبی، عقاب، آهو، گوزن با شاخ های خیلی بلند و پیچیده که به صورت مصنوعی نقش شده، ببر، پلنگ). شکل انسان کاملاً به صورت مصنوعی و به ندرت نقش شده. این سفال منقوش منحصر به تل بکون نیست و در تمام ناحیه فاری پیدامی شود. سفال مکشوف در نقاط مختلف فارس به قدری با هم شباهت دارد که می توان آن را زیر نام سفال تل بکون طبقه بندی کرد. از نظر قدمت هم دوره شوش اول و شاید متعلق به نیمه اول هزاره چهارم باشد.^(۱) (شکل ۶ - ۱)

برخی دیگر از نقش های این ظرف های سفالی، بی آن که نمایشی از جلوه های طبیعی یا شکل های هندسی منفرد باشند یا



(شکل - ۷): طرح معمارانه در نقش سفال های تمدن تل شغا (چغا). فارس. کتاب مرجع: ص. ۴۵. ش. ۹

جام، ماست خوری، ظروف شکم دار و ظروف سه پایه دار).

نقش این ظروف بیشتر از عالم حیوانات و نباتات الهام گرفته شده و سعی شده است موضوع های مربوط را با حالت طبیعی خود نقش کنند. نوارهایی که معمولاً روی لبه یا شکم ظرف نقش شده غالباً به خانه هایی تقسیم شده. نقوش هندسی تمام قسمت های فوقانی ظرف را می پوشانند و در آبخوری ها تمام سطح ظرف پوشیده از نقوش هندسی است. (مقصود از نقوش هندسی نقوشی است که با خطوط موازی یا متقاطع یا شکسته یا موج دار یا چهار خانه یا مثلث و غیره تشکیل شده و این واژه برای این نوع نقوش مصطلح شده است).^(۱)

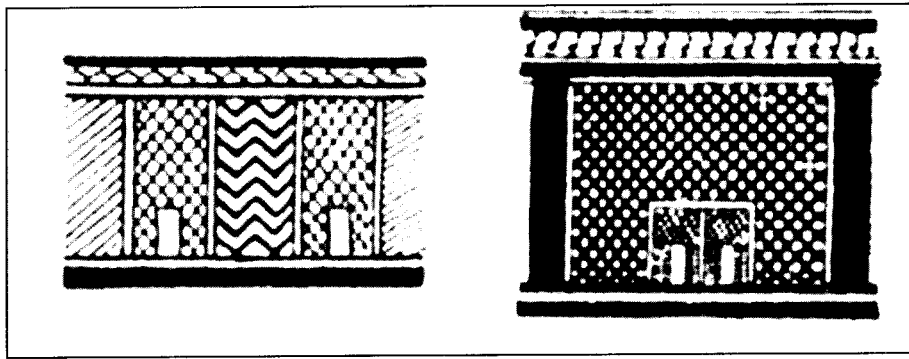
نقش موضوع های مربوط به نباتات و حیوانات (ماهی،

محوطه های باستانی نقش بسته است.

«تمدن تل شغا (یا چغا) را باید به دنباله (تل قلعه) قرارداد بدون این که با آن رابطه زیاد داشته باشد. تپه هایی که این آثار در آن ها پیدا شده عبارت است از تل شغا (طبقه اول) و (طبقه اول) تل قلعه و (طبقه سوم) تل تیموران، تل کمین، تل دروازه و هفت تپه دیگر.

سفال مربوط به این تمدن مخصوص همین ناحیه است و در حال حاضر در ناحیه دیگر ایران پیدا نشده است. خمیر آن چندان ظریف نیست و در کوره خوب نپخته است. رنگ آن قرمز است ولی غالباً این رنگ فقط بر قشر روی ظرف است و به علت حرارت آتش بوجود آمده، ولی داخل ظرف همان رنگ خاکستری خود را حفظ کرده است. گاهی سطح روی سفال که چندان خوب صیقلی نشده اثر بتونه قرمز رنگی را نشان می دهد. نقش این سفال قهوه ای مایل به قرمز یا قهوه ای مایل به سیاه است. شکل این نقوش بسیار متنوع است (آبخوری های قیفی شکل،

۱- مطلب میان دو ابرو: توضیح مترجم متن کتاب باستان شناسی ایران باستان است که در پاورقی صفحه ۴۴ درج شده است. در این مقال نیز استنباطی همانند آن از "طرح معمارانه" مراد مفهوم است.



(شکل - ۷): طرح معماری در نقش سفال های تمدن تل شغا (چغا). فارس. کتاب مرجع: ص. ۴۵. ش. ۹.

مثلث ها و صلیب شکسته و خطوط عمودی منتهی به ابرو و نیزه هایی که روی پایه هایی قرار دارد، شاخه ها، گل های پنج پر، حشرات، لاک پشت ها، ماهی ها، مارها، لک لک ها، مرغ آبی گردن دراز با پاهای دراز، بزهای کوهی، بز معمولی، پلنگ ها، کفتارها و سگ ها، نقش انسان نیز با دقت روی این سفال ها نشان داده شده است.

در نقوش سفال های طبقه اول شوش سادگی و روشنی نقوش حکم فرما است، در ترکیب نقوش در شوش تناسب حجم رعایت شده، به علاوه هر عضوی از این نقوش ارزش واقعی خود را در مجموع ترکیب حفظ نموده است.^(۱) (شکل - ۸)

برخی دیگر دارای طرح هایی هستند که می توان بدون وارد شدن به مباحث تخصصی پیچیده انسان باستان شناختی، طرح معماری و حتی ترکیب عمومی و جزئیات نمایا نقشه بنا را حس کرد و برای نوع مصالح بکار رفته در آن ها پیشنهاداتی هم داشت. همچون نقش های بسیار زیبایی منتخب در (شکل-۸) و

عقرب، مار، حشرات، مرغ های آبی، مرغ های در حال پرواز) و نقش انسان نیز در روی ظروف دیده می شود. تمدن تل شغا فقط هم زمان با تمدن طبقه سوم گیان و دوران برزخ بین طبقه ۳ و طبقه ۲ گیان است.^(۱) (شکل-۷)

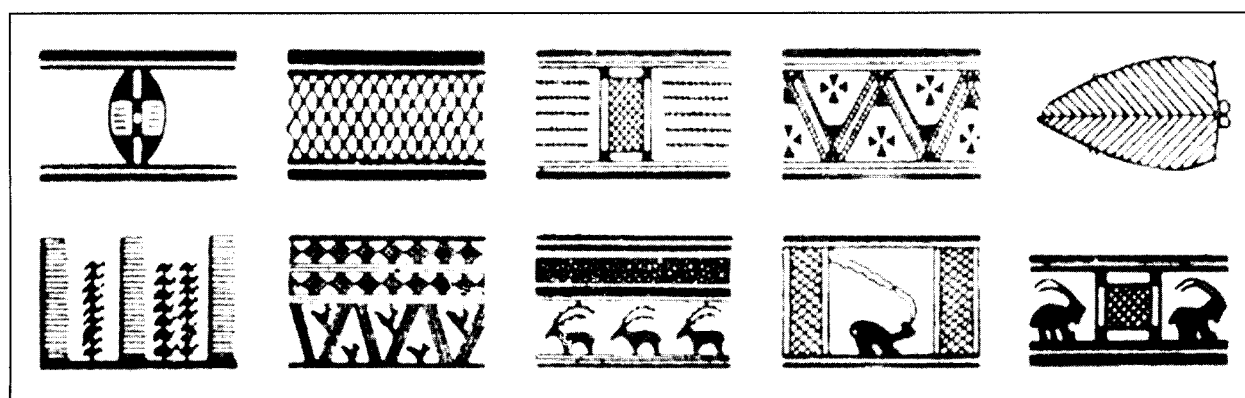
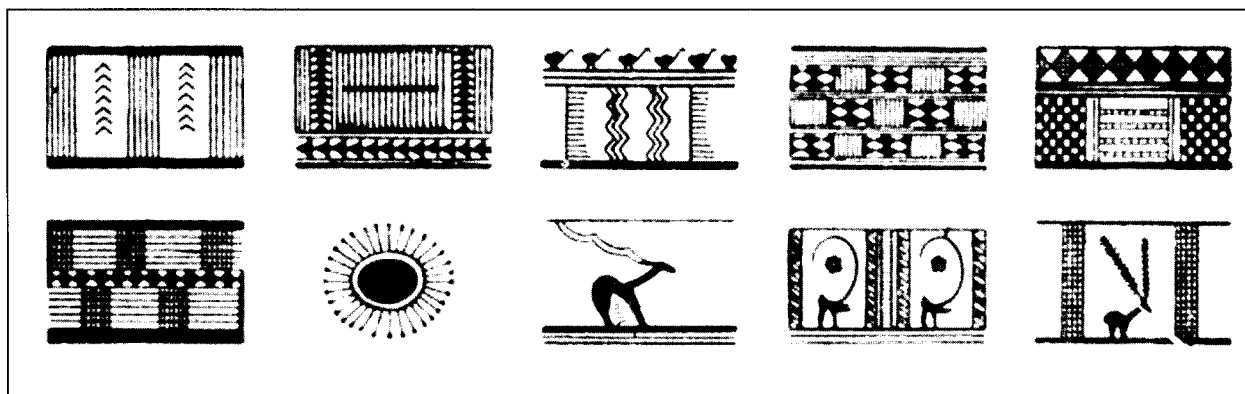
دامن زدن به این مبحث بسیار دلنشین از آفرینش های هنرمندان جاویدان پیش از تاریخی مقصد و هدف این مقال نیست، چه! به نظر می رسد مبحثی است تخصصی که پیش نیاز آن، بررسی مبانی هنری و سیر تحولات هنر در آن دوران است، با این همه نمی توان از نمایش طراحی نما و فضاها معماری که به روشنی در نقش ظروف های سفالی پیش از تاریخی و اوایل دوره تاریخی قابل تشخیص هستند صرف نظر کرد و دم نزد.

توجه ترین اشیائی که در خوزستان پیدا شده سفال ای شوش است این سفال های منقوش خیلی ظریف است. با خاک بسیار نرمی ساخته شده، رنگ آن ها خیلی روشن است و در حقیقت سفید مایل به زرد یا سبز است. نقش آن ها سیاه یا قهوه ای یا بنفش تیره است که مستقیماً روی بدنه ظرف قرار داده شده و گاهی این رنگ به قدری ضخیم است که شبیه به لعاب شده و در نتیجه گذشت زمان ترک خورده و ریخته است. ظروف خوب در کوره پخته شده و به وسیله چرخ دستی ساخته شده و بدنه آن ها بسیار نازک است.

... ضوع نقوش هندسی عبارت است از خطوط شکسته و

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ص. ۴۲ - ۴۰، کتاب باستان شناسی ایران باستان.

۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سفال طبقه اول شوش، صفحه های ۷۵ و ۷۶ و ردیف نقش های ۳۴ و ۳۵، شکل ۲۰. کتاب باستان شناسی ایران باستان.



(شکل - ۸): بازتاب ترکیب نمای ساختمان بر نقش سفال در (طبقه یک) محوطه شوش. کتاب مرجع: ص. ۷۵. ش. ۲۰.

(شکل-۹).^(۱)

هم چنان که در برخی از بناها ترکیبی از مواد و مصالح به کار میرفت، در برخی دیگر نیز برحسب ضرورت، محدودی از این گونه مواد و مصالح بکار گرفته می شد و گاه یکی از مواد مورد استفاده قرار می گرفت، یا دست کم یکی از آن ها در ترکیب عمومی بنا نقشی اصلی می داشت.

بازتاب سیر تحولات معماری در آئینه سفال:

با نگاهی بر ردیفی از نقش های ظرف های سفالی دوران پیش از تاریخ که شرح موجز آن گذشت، مهارتی استادانه در آفرینش نقش ها به چشم می خورد که گویای کوشش هنرمند در تذهیب خطوط و نمایش هندسی لبه هایی از سایه روشن موضوع منتخب خویش است، به ویژه در پردازش طرح هایی با نمایش موضوع معماری، حرکت خطوط طرح بیشتر به هندسه و ترکیب عمومی نقش بستگی دارد تا نمایش جنس، مواد و ساختار کالبدی منظرگاه طرح. ولی در دوران جدیدتر نمایش جنس موضوع طرح نیز در برنامه کار هنرمند به چشم می خورد.

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: قشر هفتم از طبقه سوم سفال های سیلک، صفحه های ۱۳۲ - ۱۳۰ و نقوش ردیف های ۳۹ - ۳۲ و همچنین نقوش ردیف های ۶۰ - ۴۶ شکل ۴۲. کتاب باستان شناسی ایران باستان.

ظرف، خط‌هایی است که از بالا تا پائین بدنه رسم شده‌اند و حلقه خط پیرامونی زیر دهانه همگی آن‌ها را به یکدیگر می‌پیوندند، گاه یکی از آن‌ها با خمی ملایم به دیگری پیوسته است، نقاش هنرمند مجری این طرح توفیق داشته است که آهنگ یکنواختی را برای خط‌های خم شده برگرد ظرف پیاده کند، بی‌آن که ناهماهنگی آن‌ها در نگاه اول به چشم آید.

شایسته این که همین خم شدگی‌های آهنگین که در هر چند خط یک خط از مجموعه خطوط طرح تکرار شده است، یادآور چشم انداز سایه‌روشن‌های طبیعی و رایج در انبوه گیاهانی همچون نیزار است. شاید که هنرمند با الهام از سایه روشن‌های منظر طبیعی نیزار و شناسایی حرکت شاخص یک شاخه از نی، یک جزء خم شدگی نی را از طبیعت نی وام گرفته و با دقت نظر کافی و تمرین در ترسیم حرکت خم شدگی در نمایش نی، به معرفی حال و هوای معماری بنای دست ساخته معمول زمان خود پرداخته است.

از سوی دیگر با این فرض که حرکت این خم شدگی یادآور جنس واقعی نماد خط است، آهنگ تکرار فاصله‌های یک نواخت به نظم‌کشیده شده در حرکت خط‌های نقش ظرف، خود گواهی بر حضور دست انسان در پدید آوردن معماری بستری‌منظرگاه و نیز خطوط نقش بر روی بدنه سفال است.

با این همه نقشه محدوده محصور با نی تابعی از طرح استوانه‌ای شکل طرف است و دلیل کافی در دست نیست که این نقشه، دایره یا مربع و مستطیل بوده است.^(۱) (تصویر - ۱۰)

«در قشر II B طبقه دوم سفال‌های شاه تپه بزرگ گرگان (واقع در ۱۳ کیلومتری شمال غربی استرآباد) ماسه خوری و آبخوری استوانه‌ای شکل و آبخوری‌های گود و کاسه نوک دار فراوان بود. این ظروف شباهت زیاد به ظرف‌های طبقه سوم تپه حصار (دامغان) داشت و جنس آن از سفال خاکستری رنگ و سنگ مرمر بود. در این ناحیه

همزمان با ساخت و سازهای معماری با خشت خام، از مصالح دیگری همچون شاخ و برگ در ختان، چوب خشک، تیرچوبی، گیاه‌های ساقه دار، نی و حتی قلوه سنگ، ماسه، خاک، گل و برخی ملات‌های آهکی و خاک‌های معدنی رنگی نیز در پردازش بنا و دست ساخته‌های بستر زندگی مردم به کار می‌رفته است.

بررسی سیر تحولات معماری در آئینه سفال را در ردیفی از نقش سفال‌های دوران تاریخی پی می‌گیریم که با دقتی بیشتر به نمایش جزئیات ساختمانی پرداخته‌اند. این نقوش نشان‌دهنده ساخت و سازهایی است که عناصری به شکل دسته‌هایی از خط‌های منفرد ترسیم شده و گویای حالتی از نی هستند. تصادفی نیست که جستجوی ردیفی از نقش‌های روی ظرف‌های سفالی دوران باستان، ترکیب‌های متنوعی از معماری با نی را از ساده‌ترین شکل آن تا قوس‌های متقاطع متکی بر ستون‌هایی هم‌آهنگ، نمایش دهند. در این بخش نیز همچون دیگر بخش‌های این مقال از شکل‌ها، لوحه‌ها و تصاویر کتاب باستان‌شناسی ایران باستان بهره‌برداری شده است و در اتکای به دیگر گزارش‌های باستان‌شناسی می‌توان به تکمیل این بررسی پرداخت.

طبقه بندی نقش ظرف‌های سفالی به ترتیب، بر محوری قرار داده شد که آغاز آن با طرح‌های ساده باشد و به تدریج سادگی خطوط نقش به خطوط ترکیبی طرح‌های پیچیده‌تر خاتمه پذیرد که بیانی معمارانه از آن مستفاد می‌شود.

یک -) در میان سفالینه‌های نقش دار دوران باستان که طرح آن نشانی از ساخت و ساز دارد، عنوان ساده‌ترین نقش روی سفال را میتوان به ظرفی نسبت داد که از محوطه باستانی شاه تپه بزرگ (استرآباد) به دست آمده و خط‌هایی نه چندان عمودی بلکه از بالا به پایین، بر آن نقش بسته است که همچون حصاری بنّین بر گرد ظرف حلقه بسته است.

این نقش بر ظرفی است استوانه‌ای شکل، با اندک برآمدگی بدنه، دهانه آن دارای لبه‌ای متمایز است و طرح نقش روی این

۱- لوحه ۸، شاه تپه بزرگ، (استرآباد) تصویر: و. همان منبع.

سفال های نقش دار نیز وجود داشت، معمولاً نقش این سفال ها قهوه ای پررنگ، یا سیاه روی زمینه قرمز و به شکل نقوش هندسی بود و روی تمام ظرف را می پوشانید. چنین به نظر می رسد که بیشتر موضوع نقوش این ظروف شکل عمودی داشته است»^(۱).

دو - (ظرفی سفالی (قشر II B طبقه دوم سفال های شاه تپه بزرگ گرگان) با برآمدگی زیاد بدنه در ثلث بلندی آن، قطر سطح ته ظرف معادل با قطر دهانه که لبه ای برآمده دارد.

طرح نقش روی این ظرف، همچون نمونه منتخب معرفی شده بالا (در ردیف یک) متشکل از خطهایی است که از بالا تا پائین بدنه رسم شده اند و خط پیرامونی زیر دهانه همچون حلقه رابطی آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد، گاه یکی از خط ها به دیگری پیوسته است، بی آن که ناهماهنگی آن ها در نگاه اول به چشم آید.^(۲)

با توجه به برآمدگی بدنه ظرف فاصله خطوط از یکدیگر در حوزه شکم ظرف بیشتر از حوالی دهانه و کف ظرف است، ولی سطح داخلی دهانه دارای نقشی از خطوط همسان با بدنه است. در حقیقت تفاوت میان نقش های دو ظرف ردیف یک و دو را می بایست در اختلاف میان شکل متفاوت دو ظرف جستجو کرد. آن چنان که اختلاف شکل جداره ظرف ها که بستر نقش همانند است، موجب بروز دو جلوه ای متفاوت از یک اندیشه در پردازش نقش ظروف سفالی گردیده است، چنین به نظر می رسد که موضوع اصلی نقاشی همان ردیفی از نی یا دیواری از نی و بالاخره نمایی از نی باشد. (تصویر - ۱۱)

سه - (ظرفی سفالی (قشر II B طبقه دوم سفال های شاه تپه بزرگ گرگان) با برآمدگی زیاد بدنه در ثلث بلندی آن، قطر سطح ته ظرف معادل با قطر دهانه است که لبه ای برآمده دارد.

طرح نقش روی این ظرف، دارای خطهایی است که از بالا تا پائین بدنه رسم شده اند و خط پیرامونی زیر گردن بلند دهانه ظرف آن ها را به هم پیوند می دهد، گاه یکی از خط ها به دیگری پیوسته

است، بی آن که ناهماهنگی آن ها در نگاه اول به چشم آید.^(۳)

با توجه به برآمدگی بدنه ظرف فاصله خطوط از یکدیگر در حوزه شکم ظرف بیشتر از حوالی دهانه و کف ظرف است، در این نمونه نیز همچون نمونه دوم، شکم برآمده ظرف در نمایش دیوار نئین جلوه ای متفاوت از نمونه اول، ولی همانند نمونه دوم دارد.

نه عدد خط حلقوی به فاصله مساوی از یکدیگر (بجز برآمده ترین بخش بدنه ظرف که فاقد خط حلقوی است و فاصله خط حلقوی پائین و بالای آن دو برابر دیگر خط های حلقوی است) با خطوط بدنه تلاقی کرده اند.

سطح بدنه گردن و لبه دهانه این ظرف ساده و بی نقش است ولی سطح داخلی دهانه دارای نقشی از خطوط همسان با بدنه است.

شایان توجه است که هر سه نمونه معرفی شده از یک محوطه باستان شناسی بدست آمده است و شباهت نقاشی و موضوع طرح و حتی آرایش خطوط طرح یکسان و هماهنگ به نظر میرسد. یکسانی خطوط حکایت از وجود یک مکتب طراحی دارد شاید که این هر سه مورد به ویژه نمونه های اول و دوم، همزمان کار یک شخص هنرمند باشد.

ردیف بیان تصویری سه نمونه از نقوش یادشده غنیمتی است گران بها که بازتاب نمایی دست ساخته های معماری همزمان با نقش اندازی سفال را از مرحله اول، بر پا داشتن ردیفی از نی (نمونه یک) تا نمایش کلاف شدن آن ها به یکدیگر (نمونه سه) را می توان در آن ها تماشا کرد که با وجود خط های حلقوی جلوه ای نزدیکتر به ترکیب واقعی بافت نی را نمایش داده اند، آن چنان که میتوان خطوط افقی را همچون الیافی پنداشت که که هر شاخه از نی را در جای خود کلاف کرده باشد. (تصویر - ۱۲)

چهار - (ظرف سفالی (از طبقه سوم تپه گیان نهاوند) با پایه کوتاه

۱ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: صفحه های ۹ و ۱۰ همان منبع.

۲ - لوحه ۸، شاه تپه بزرگ، (استرآباد) تصویر: ه همان منبع.

۳ - لوحه ۸، شاه تپه بزرگ، (استرآباد) تصویر: ب. همان منبع.

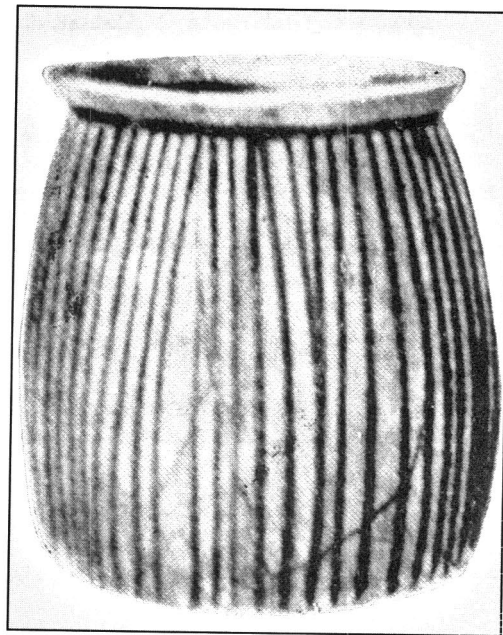
به شکل استوانه‌ای که بدنه آن اندکی کاو است، قطر ظرف دو سوم بلندی آن است. دهانه آن باز و دسته‌ای کوچک دارد و در میان دسته سوراخی است که می‌توان ریسمان باریکی از آن رد کرد.

طرح نقش روی ظرف شامل چهار خط حلقوی با فاصله‌ای به اندازه کلفتی هر خط از یکدیگر در پائین و چهار خط حلقوی همانند آن در بالای ظرف است. در منظر تصویر در فضای میان خطوط حلقوی پائین و بالای ظرف، چهار گروه خطوط چهارتایی عمودی، همچون چهار ستون به چشم می‌خورد که در فاصله خطوط حلقوی پائین و بالای ظرف نقش بسته است. خطوط کناری هر گروه ضخامتی تا چهار برابر هر خط عمودی دارند گوئی که نقاش سایه هر ستون را در فضای بسته کناری آن منظور کرده است، کما این که در سمت چپ تصویر در روزن میان دو ستون که تصویر نه پرنده را نشان میدهد، خط سایه ترسیم نشده است.

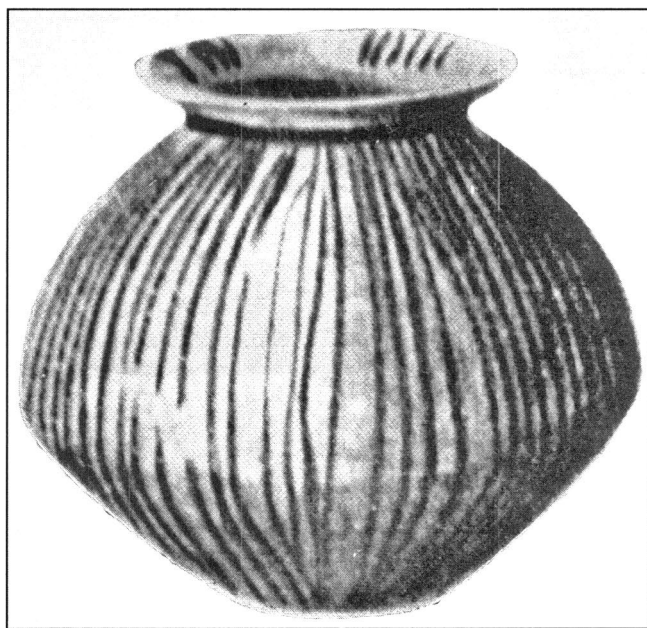
در فضای میان دیگر ستون‌ها خطوط نازکتری به صورت چپ راست‌هایی در زاویهٔ چهل و پنج درجه با آهنگ یکنواخت و با دو ترکیب متمایز رسم شده که یاد آور بافت حصیری تزئینی و فضاهای بسته در نمای بنا است.^(۱)

«... در طبقه سوم (تپه گیان نهاوند) تمدن قبلی تا مدتی ادامه می‌یابد و پس از اندک مدتی رو به زوال می‌رود (دوره برزخ). سفال قرمز آجری رنگ با نقش سیاه خصوصاً در ظروف سه پایه شکل و تنگ‌های شکم دار و پایه دار و فنجان‌های دسته دار و دیزی‌ها و روغن داغ‌کن‌ها ادامه می‌یابد. نقوش منحصر به مثلث‌ها و هاشورها و خطوط افقی موج دار است. بین اشیاء و سنجاق‌های بلند برنزی باید از خنجرها و سنجاق‌های بلند و ظروف فلزی را نام برد.»^(۲) (تصویر - ۱۳)

پنج - ظرفی است سفالی (از طبقه دوم تپه گیان نهاوند) که از پنج بخش متمایز پایه، بدنه زیرین، بدنه میانی، بدنه فوقانی (بدنه



(تصویر - ۱۰): نمایش معماری با خطوط هنرمندانه ساده بر بدنه ظرفی از محوطه باستانی شاه تپه بزرگ (استرآباد). کتاب مرجع: لوحه ۸، ردیف (و).



(تصویر - ۱۱): نمایش معماری با خطوط هنرمندانه ساده بر بدنه ظرفی از محوطه باستانی شاه تپه بزرگ (استرآباد). کتاب مرجع: لوحه ۸، ردیف (ه).

گردنی)، و لبه دهانه، تشکیل شده است. پایه دارای ساقه‌ای از مخروط ناقص است و سطح بالایی پایه که به ته ظرف می‌رسد به قطر نیمی از پایه است.

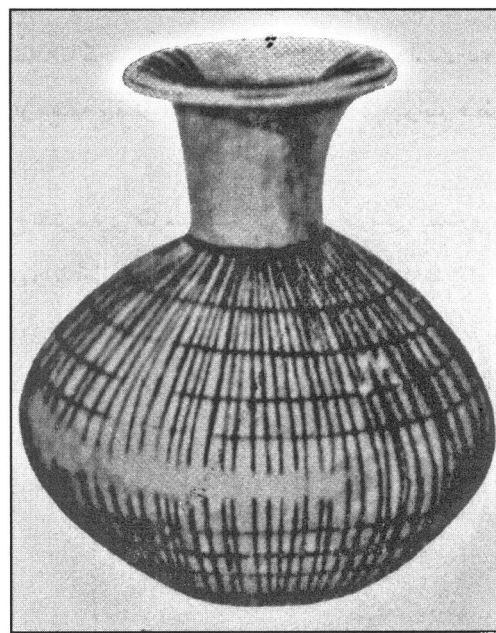
قطر پایه برابر یک سوم قطر شکم برآمده ظرف است، بلندی سطح برآمدگی شکم ظرف از سطح زیرین پایه، کمتر از نیمی از بلندی مجموعه است.

بدنه زیرین ظرف فضای حد فاصل ته ظرف را تا سطح برآمدگی شکم شامل می‌شود که ساده و بی‌نقش است. بدنه میانی فضای حد فاصل میان سطح برآمدگی شکم را تا زیر سطح گردن ظرف شامل شده است که بلندی آن برابر بدنه زیرین ظرف است. بدنه بالایی، از سطح گردن تا زیر لبه دهانه ظرف را شامل شده است که بلندی آن برابر نیمی از هر یک از دو بخش دیگر بدنه و قطر آن برابر با قطر دهانه و اندکی کوچکتر از قطر سطح برآمده شکم ظرف است.

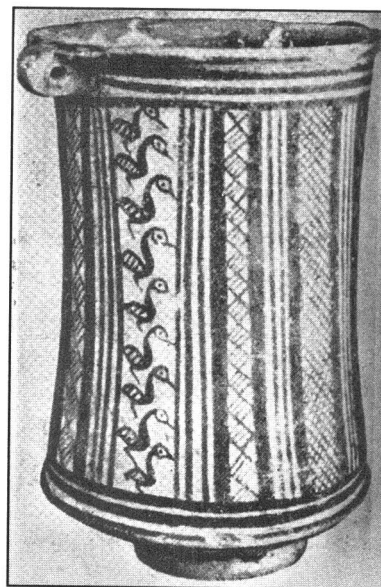
طرح نقش روی ظرف، بخش میانی و بخش بالایی بدنه را شامل شده است، سه گروه خطوط حلقوی متمایز از یکدیگر بر برآمدگی شکم، گردن و لبه ظرف نقش بسته است. سطح برآمدگی شکم دارای یک خط با ضخامتی دو برابر دیگر خطوط اصلی است. دو خط ضخیم در سطح گردن نیز با فاصله‌ای کمتر از ضخامت یک خط ضخیم از یکدیگر به چشم می‌خورد. یک حلقه خط نیز در لبه ظرف نقش بسته است.

با این ترتیب نقوش بدنه میانی در فضای میان خط برآمدگی شکم و خط زیرین سطح گردن و نقوش بدنه فوقانی در فضای خط بالایی سطح گردن تا لبه ظرف رسم شده‌اند، به طوریکه فضای هر بخش از بدنه در میان دو خط حلقوی مستقل از یکدیگر تفکیک شده است.

در زاویه دید تصویر این ظرف بدنه میانی دارای یک بخش پُر در میان دو بخش نسبتاً خالی یا کمتر پُر است که هر یک دارای



(تصویر - ۱۳): نمایش سطوح پر و خالی (روزی که بر منظر دلخواه باز است) معماری بدنه بنا، بر بدنه ظرفی از طبقه سوم تپه گیان (نهایند). کتاب مرجع: لوحه ۱۱۱. ردیف (د).



(تصویر - ۱۲): نمایش معماری با خطوط هنرمندانه ساده با کلاف‌های افقی بر بدنه ظرفی از محوطه باستانی شاه تپه بزرگ (استرآباد). کتاب مرجع: لوحه ۸. ردیف (ب)

۱- شکل - د. لوحه ۱۱۱. طبقه سوم تپه گیان (نهایند). همان منبع.
 ۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: شمال طبقه سوم تپه گیان نهایند. صفحه ۸۹ و شکل (د) از لوحه ۱۱۱، همان منبع.

برآمدگی شکم تا شانه ظرف جا دارد. بخش فوقانی بدنه در حد فاصل شانه تا گردن کوتاه لبه ظرف را شکل داده است. لبه دهانه فراختر از دهانه و قطر آن اندکی کوچکتر از دو برابر قطر پایه ظرف است.

طرح نقش روی ظرف، بخش میانی و فوقانی بدنه و گردن کوتاه آن را شامل شده است، بخش زیرین و پایه کوتاه ظرف ساده و بی‌نقش است. سه گروه خطوط حلقوی متمایز از یکدیگر بر برآمدگی شکم، شانه و گردن زیر لبه ظرف نقش بسته است، در گروه برآمدگی شکم، ضخامت خط میانی سه برابر خط زیرین



(تصویر - ۱۴): نمایش فضا های پر و خالی (روزی که بر منظر دلخواه باز است) و موقعیت بنا بر روی زمینی که درون آن بی‌نقش است و در زیر آسمانی است آفتابی، بر بدنه ظرفی از طبقه دوم تپه گیان نهند. کتاب مرجع: لوحه ۱۱۳. ردیف (الف).

و فوقانی است که به فاصله‌ای برابر ضخامت یک خط از آن جا دارند. خط‌های گروه شانه نیز کم و بیش همانند گروه برآمدگی شکم هستند، با این تفاوت که ضخامت خط میانی دو برابر دیگر

چارچوبی مستقل از دیگری است. بخش پُر نیز دارای دو بخش همجوار و همانند یکدیگر با چارچوبی مستقل از دیگری است. هر یک از بخش‌های پُر با چپ راست‌های ضخیم، دو لوزی نزدیک به مربع بر روی یکدیگر رسم شده و نیز در بالا و پائین این دو، نیمی از طرح لوزی نقش بسته است. درون هر لوزی با دو جفت خط چپ راست نازکتر به نه لوزی (یا مربع چرخیده در زاویه چهل و پنج) تقسیم شده است.

در فضاهای نسبتاً خالی که سطحی بزرگتر از فضای پُر دارند چهار ستاره هشت پر که درون هریک دایره‌ای به رنگ زمینه مانده است در دو ردیف هندسی مرتب و متناسب با چارچوب فضای نسبتاً خالی نقش بسته است.^(۱)

چنین به نظر می‌رسد که نقش بدنه بالایی با سه ستون، سه بخش شده باشد، در میان بخشی که رو به تصویر است در زیر خط لبه ظرف یک ستاره هشت پر نقش بسته است.

« طبقه دوم (تپه گیان) شامل آثار ابنیه و ساختمان‌ها است سفال منقوش هنوز تحت تأثیر سبک سفال‌های دوران پیش از تاریخی ایرانی است. ظروفی که خمیرشان زرد مایل به خاکستری است و نقوش سیاه دارد. دارای اشکال مختلف است مانند تنگ‌های شکم دار و پایه دار، سیو و فنجان‌های دسته دار مزین به نوارهای چهارخانه و گل پنج پر با خورشید و غیره. بنابراین در این نقوش که به صورت مجالس ترتیب داده شده، سبک نقش حیوانات مجدداً مرسوم گردیده است.»^(۲) (تصویر - ۱۴)

ش -) ظرفی سفالی است که از پنج بخش متمایز پایه، بدنه تحتانی، بدنه میانی، بدنه فوقانی، و لبه دهانه، تشکیل شده است. پایه‌ای کوتاه دارد و قطر آن یک چهارم قطر شکم برآمده ظرف است.

بخش تحتانی بدنه که بلندی آن یک سوم بلندی ظرف است، فضای حفاصل میان پایه و شکم برآمده ظرف را تشکیل می‌دهد. بخش میانی بدنه نیز با یک سوم بلندی، در حد فاصل فضای

۱- لوحه ۱۱۳، تپه گیان، تصویر: الف. همان منبع.
 ۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سفال طبقه سوم تپه گیان نهند. صفحه ۸۹ و شکل (الف) از لوحه ۱۱۳، همان منبع.

از ترکیب ظرف و طرح نقش‌های نمای آن چنین استنباط می‌شود که بخش زیرین ظرف بی‌نقش، و نمادی از زیر زمین یا جهان زیرین باشد، بخش میانی نشان دهنده سطح مسکون زمین و تصور هنرمند از خانه مطلوب خود بوده و آسمان در بالای دو بخش دیگر تصویر شده باشد.^(۲) (تصویر - ۱۵)

هفت - ظرفی است سفالی (طبقه اول تل تیموران از توابع ارسنجان) که از چهار بخش متمایز پایه، بدنه میانی، گردن و لبه



(تصویر - ۱۵): نمایش سطح پر و خالی (روزی که بر منظر دلخواه باز است) و موقعیت بنا بر روی زمینی که درون آن بی‌نقش است و در زیر آسمانی است که خورشید در سه جای آن نشان داده شده است (شاید سه مرحله از حرکت خورشید در آسمانه بنا مراد باشد)، بر بدنه ظرفی از طبقه دوم تپه گیان (نهادند). کتاب مرجع: لوحه ۱۱۲. ردیف (د)

۱- شکل (د). لوحه ۱۱۲. تپه گیان، همان منبع.

۲ « طبقه دوم (تپه گیان) شامل آثار ابنیه و ساختمان‌ها است سفال منقوش هنوز تحت تأثیر سبک سفال‌های دوران پیش از تاریخی ایرانی است. ظرفی که خمیرشان زرد مایل به خاکستری است و نقوش سیاه دارد. دارای اشکال مختلف است مانند تنگ‌های شکم دار و پایه دار، سبو و فنجان‌های دسته دار مزین به نوارهای چهارخانه و گل پنج پر با خورشید و غیره. بنابراین در این نقوش که به صورت مجالس ترتیب داده شده، سبک نقش حیوانات مجدداً مرسوم گردیده است.» - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سفال طبقه دوم تپه گیان نهادند. صفحه ۸۹ و شکل (د) از لوحه ۱۱۲، همان منبع.

خطوط است. در گروه خطوط گردنی، ضخامت هر سه خط یکسان رسم شده است.

زاویه تصویر نشانگر آن است که در بخش میانی بدنه، در فضای حدفاصل حلقه خطوط برآمدگی شکم تا خطوط شانه ظرف چهار فضای پر و چهار فضای خالی نقش بسته است و در تصویر موجود بخش‌هایی از دو فضای پُر و دو فضای خالی به چشم می‌خورد.

فضای پر، چهار گروه خط، هر گروه ترکیبی از سه خط همچون ستون دارد، این چهار ستون فضای پُر را سه بخش کرده‌اند.

بخش میانی فضای پُر، آرایشی متفاوت از دو بخش همجوار دارد که طرح آن‌ها همانند یکدیگر است. در نقش بخش میانی دو ردیف هشت تایی دایره‌هایی با اندازه‌های یکسان دیده می‌شود که در میان آن‌ها دایره کوچکتری به رنگ تیره جا دارد، فاصله میان این دو ردیف دایره برابر قطر دایره بزرگتر و به رنگ تیره آراسته است که مجموعاً در راستای ستون‌ها نقش بسته است. نقش بخش‌های کناری فضای پُر (که در همجواری فضاهای خالی جا دارند) را خطوط چپ راست با زاویه چهل و پنج درجه تشکیل داده‌اند که فاصله آن‌ها از یکدیگر به ضخامت یک خط است.

در هریک از فضاهای خالی که در میان دو گروه فضای پُر جا دارند و فضای روزن و پنجره از آن‌ها متصور است، دو پرندۀ رسم شده است. چنین به نظر می‌رسد که هنرمند منظرگاه مطلوبی را از درون بنا به بیرون، بر روی نمای بیرونی بنا تثبیت نموده باشد.

نقش بخش بالایی، در فضای حدفاصل میان شانه تا گردن ظرف، آن چنانکه در تصویر دیده می‌شود سه عدد نقش است که هریک از دو دایره متداخل تشکیل شده و خطوطی کوتاه در راستای مرکز دایره ولی بیرون از محیط دایره بیرونی رسم شده است که همچون سه وضعیت از حضور خورشید در آسمان به نظر می‌رسد.^(۱)

دهانه، تشکیل شده است. پایه‌ای کوتاه دارد و قطر آن یک‌چهارم قطر شکم برآمده ظرف است.

بدنه میانی از پایه کف ظرف تا شکم برآمده آن به طور موزونی تا زیر گردن ظرف را شامل می‌شود. بدنه گردن ظرف استوانه‌ای شکل است و قطر آن تا دو و نیم برابر قطر پایه ظرف قابل تخمین است و لبه ظرف اندکی فراخ‌تر از دهانه گردنی است. طرح نقش روی ظرف، بخش میانی و بدنه گردن آن را شامل شده است، بخش زیرین و نمای کوتاه کف ظرف ساده و بی‌نقش است. چهار خط حلقوی موازی ولی متمایز از یکدیگر بر بالای د. آمدگی شکم، و شش خط حلقوی با فاصله کم ولی یکنواخت در بدنه گردن تا زیر لبه ظرف نقش بسته است.

در زاویه دید تصویر و در میان آن نقش یک درخت جلب توجه می‌کند. راستای قائم خطی که پائین آن محو و نازک‌تر از دیگر خطوط است از سطح برآمدگی شکم تا خط زیر گردن نقش بسته است. این خط محور تقارن خطوطی است که از سطح تلاقی نخستین خط حلقه با خط محور قائم به بالا، با زاویه‌ای کمتر از چهل و پنج درجه بصورت چپ راست شمای درختی را همچون سرو نشان می‌دهند.

در هر طرف نقش هندسی درخت، چهار خط قائم از بالای بدنه بی‌نقش تا خط زیر گردن ظرف به چشم می‌خورد. از سطح تلاقی خط حلقه پائینی و حلقه بالایی بدنه میانی با این هشت خط قائم، ردیفی از چهار ضلعی‌های مستطیل شکل پدید آمده است که در هر یک از چهار ضلعی‌ها، از جای تلاقی خط حلقه پائینی، خطی مورب به میان ضلع بالایی مستطیل رسم شده که در این تصویر همچون لبه خط قوس تیزه داری به چشم می‌خورد آن چنان که در میان فضای پشت بغل‌های قوس طاق، محاط شده باشند.^(۳)

هر چند که نقش این سفال تزئینی و هنرمندانه است، تمثیل ریشه دار بودن و ایستایی ترکیب شکل درخت در میان ردیفی از قوس‌های تیزه داری که بر خطوط قائم متکی هستند و در اتکای به یکدیگر بر دور تا دور ظرف رسم شده‌اند، تصادفی به نظر نمی‌رسد.

« سفال (تمدن تل تیموران) خاکستری مایل به قرمز خیلی صاف با یک بتونه صورتی و نقش سیاه مرکب از خطوط موازی روی گردن ظرف و درختی که کاملاً به صورت مصنوعی روی شکم ظرف نقش شده است. این سفال به طرز خاصی ساخته شده و هیچ شباهتی با سفال نواحی دیگر ندارد.»^(۱) (تصویر-۱۶)

مشت - ظرفی است سفالی (تل تیموران از توابع ارسنجان) که از چهار بخش متمایز کف، بدنه، گردن و لبه دهانه، تشکیل شده است. بدنه ظرف شامل فضایی از کف تا شکم برآمده و تا زیر گردن ظرف را شامل می‌شود. بدنه گردن ظرف استوانه‌ای شکل



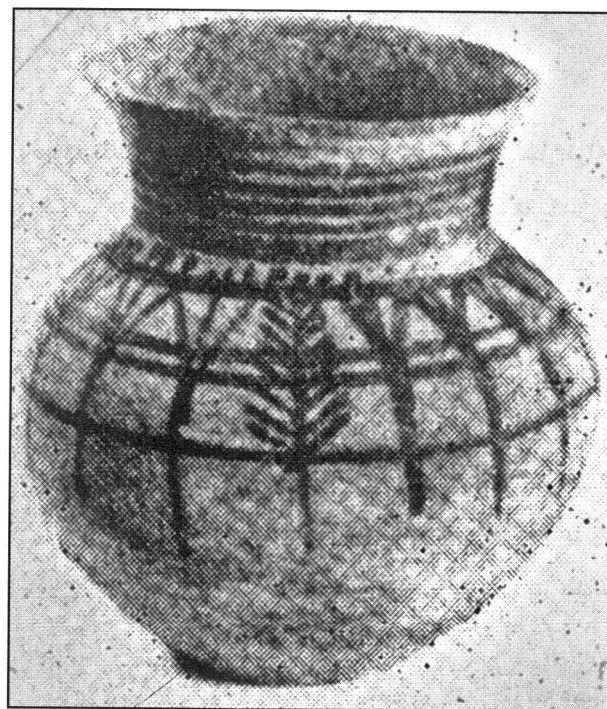
(تدویر - ۱۶): نمایش استخوان بندی بنا و تمثیل ایستایی آن با درخت بر سلسله‌ای از ستون‌های متکی به یکدیگر بر روی زمینی که درون آن بی‌نقش است، بر بدنه ظرفی از محوطه باستانی تل تیموران (فارس). کتاب مرجع: لوحه ۶۰. ردیف (ب).

۳- شکل (ب). لوحه ۶۰ تل تیموران، (قصبه کوشک ارسنجان) همان منبع.

است و قطر آن نیمی از قطر شکم برآمده ظرف است، لبه ظرف اندکی فراخ تر از دهانه گردنی است.

طرح نقش روی ظرف، فضای بدنه و بدنه گردن آن را شامل شده است، چند خط حلقوی موازی ولی متمایز از یکدیگر بر بدنه، و چهار خط حلقوی با فاصله کم ولی یکنواخت در بدنه گردن تا زیر لبه ظرف نقش بسته است.

در زاویه دید تصویر راستای پنج خط قائم از پائین ظرف تا خط زیر گردن نقش بسته است، از تلاقی خط حلقه سطح برآمدگی شکم و همچنین خط حلقه بالای بدنه ظرف با این پنج خط قائم، ردیفی از چهار ضلعی های مستطیل شکل پدید آمده است که در هر یک از چهار ضلعی ها، از جای تلاقی خط حلقه برآمدگی شکم،



(نصوب ۱۷): نمایش استخوان بندی بنا با سلسله‌ای از ستون های متکی به یکدیگر بر روی زمینی که درون آن بی نقش است، بر بدنه طرفی از محوطه باستانی تل تیموران (فارس). کتاب مرجع: لوحه ۶۰. ردیف (ج).

خطی مورب به میان ضلع بالایی مستطیل رسم شده است که در این تصویر همچون نمای لبه قوس تیزه‌دار به چشم می‌خورد، که

در میان فضای پشت بغل های قوس طاق، محاط شده باشند. (تصویر-۱۷)

نه -) ظرفی است سفالی (لرستان) که از ده بخش متمایز کف، بدنه، گردن، لبه دهانه، لوله و پنج دسته تشکیل شده است. بدنه ظرف شامل فضایی از کف تا شکم برآمده و تا زیر گردن ظرف را شامل می‌شود. بدنه گردن ظرف که قطر آن یک سوم برآمدگی شکم ظرف است سطح بیرونی آن از پائین به شکم برآمده و از سوی بالا به سطح لبه ظرف که اندکی فراخ تر از دهانه گردنی است مستحیل شده است.

بر بالای برآمدگی شکم ظرف، لوله ای نسبتاً طویل متصل است و از سر لوله دسته‌ای در اتصال به دو دسته کوچک تزئینی به لبه ظرف متکی است. دسته بالایی دارای حجمی مارپیچی، مرکب از دو استوانه گلی است که بدور یکدیگر پیچیده‌اند. این دسته در راستای لوله به دو دسته تزئینی و دسته متقابل لبه دهانه متکی است، آن چنان که از یک سو در میان جای اتصال دو دسته تزئینی، به دهانه ظرف نشسته و از سویی دیگر بر جای اتصال دسته مقابل لوله در سمت دیگر ظرف ترکیب شده است.

طرح نقش روی ظرف، تنها بر فضای بدنه در زیر سطح لوله و دسته مقابل آن نقش بسته است، این نقش در فضای میان لوله و دسته مقابل آن شامل سه بخش به قرینه یکدیگر است. هریک از این سه بخش دارای دو ستون در دو طرف خط قوسی است که در محور تقارن میان دو ستون از یکدیگر می‌گذرند.

هر ستون دارای دو بخش پایه و در امتداد پایه پشت بغل قوس

۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سفال طبقه دوم تمدن تل تیموران. صفحه ۴۴-۴۵ و شکل (ب) از لوحه ۶۰، همان منبع.

۱) سفال (تمدن تل تیموران) خاکستری مایل به قرمز خیلی صاف با یک بتونه صورتی و نقش سیاه مرکب از خطوط موازی روی گردن ظرف و درخت هایی که کاملاً به صورت مصنوعی روی شکم ظرف نقش شده است. این سفال به طرز خاصی ساخته شده و هیچ شباهتی با سفال نواحی دیگر ندارد.

- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سفال طبقه دوم تمدن تل تیموران. صفحه ۴۵-۴۴ و شکل (ج) از لوحه ۶۰، همان منبع.



(تصویر - ۱۸): نمایش استخوان بندی بنا با جزئیات شکل ستون های متکی به یکدیگر و قوس هایی که در میان فضای خالی ستون ها را برهم کلاف کرده اند، نماد آئینی چلیپاهای مضاعف در زیر قوس های متقاطع نشان دهنده کارآئی بنا نیز هست. بستر زمینی که درون آن بی نقش است. نقش بدنه ظرفی از لرستان. کتاب مرجع: لوحه ۱۲۳. ردیف (الف).

و دسته مقابل آن نقش بسته است، این نقش در فضای میان لوله و دسته مقابل آن شامل دو بخش به قرینه یکدیگر است. هریک از این دو بخش دارای دو ستون در دو سمت خط قوسی است که در محور تقارن میان دو ستون از یکدیگر می گذرند.

هر ستون دارای دو بخش پایه و در امتداد پایه پشت بغل قوس است. هر پایه مرکب از چهار خط در راستای عمودی و خط قوس است، طوری که در پایین ستون، خط هابه یکدیگر نزدیکتر هستند و در حد بلندی پایه که به اندازه نیمی از بلندی تیزه قوس است و به خط مایلی ختم می شود که بر انحناى قوس عمود است، از یکدیگر دور می شوند.

خط قوس های هر دهانه نسبت به محور میانی قرینه هستند، آن چنانکه در هریک از شکل های حادث، دو ستون مثلثی شکل از یک سو در تیزه تقاطع دو قوس متکی بر یکدیگر به نظر میرسند و از سویی دیگر دو ستون میانی نقش، در اتکای به یکدیگر ایستایی پایداری را نشان می دهند.

۱- شکل الف. لوحه ۱۲۳. لرستان، همان منبع.

است. هر پایه مرکب از چهار خط در راستای عمودی و خط قوس است، طوری که در پایین ستون، خط هابه یکدیگر نزدیکتر هستند و در حد بلندی پایه که به اندازه نیمی از بلندی تیزه قوس است و به خط مایلی ختم می شود که بر انحناى قوس عمود است از یکدیگر دور می شوند.

خط قوس های هر دهانه نسبت به محور میانی قرینه هستند، آن چنانکه در هریک از شکل های حادث که قرینه یکدیگر هستند، دو ستون مثلثی شکل از یک سو در تیزه تقاطع دو قوس متکی بر یکدیگر به نظر میرسند و از سویی دیگر دو ستون میانی نقش در اتکای به یکدیگر ایستایی پایداری را نشان می دهند.

در میان هر یک از سه قوس نقشی مرکب از دو ستاره چلیپا شکل (چهارپر) نقش بسته است چنان که یکی درون دیگری است. (۱)

ده -) ظرفی است سفالی (از لرستان) که از ده بخش متمایز کف، بدنه، گردن، لبه دهانه، لوله و پنج دسته تشکیل شده است. بدنه ظرف شامل فضایی از کف تا شکم برآمده و تا زیر گردن ظرف را شامل می شود. بدنه گردن ظرف که قطر آن یک سوم برآمدگی شکم ظرف است سطح بیرونی آن از پائین به شکم برآمده و از سوی بالا به سطح لبه ظرف که اندکی فراخ تر از دهانه گردنی است مستحیل شده است.

بر بالای برآمدگی شکم ظرف، لوله نسبتاً طویل و ضخیمی که اندک خمی در میان دارد از جای خم میانی با دسته زیرین به برآمدگی شکم و با دو دسته بالای لوله به لبه ظرف متکی است. دسته بالایی دارای حجمی مارپیچی، مرکب از دو استوانه گلی است که بدور یکدیگر پیچیده اند. این دسته در راستای لوله به دو نقطه متقابل لبه دهانه متکی است، آن چنان که از یک سو در میان جای اتصال دو دسته بالایی لوله، به دهانه ظرف نشسته و از سویی دیگر بر جای اتصال دسته مقابل لوله در سمت دیگر ظرف ترکیب شده است.

طرح نقش روی ظرف، تنها بر فضای بدنه در زیر سطح لوله



(تصویر - ۱۹): نمایش استخوان بندی بنا با جزئیات شکل ستون های متکی به یکدیگر و قوس هایی که در میان فضای خالی ستون ها را برهم کلاف کرده اند. نماد آئینی دو جیبی مضاعف در زیر قوس های متقاطع نشان دهنده کارآئی بنا نیز هست. بستر زمینی که درون آن بی نقش است. نقش بدنه ظرفی از لرستان. کتاب مرجع: لوحه ۱۲۳. ردیف (ب) ۱.

علاوه بر نمایش استخوان بندی بنا با جزئیات شکل ستون های متکی به یکدیگر و قوس هایی که در میان فضای خالی ستون ها را برهم کلاف کرده اند، در پائین و در میان هر قوس نقشی مرکب از دو ستاره چلیپا شکل (چهارپر) نقش بسته است، چنان که یکی درون دیگری است، نماد آئینی دو چلیپای مضاعف در زیر قوس های متقاطع نشان دهنده کارآئی بنا نیز هست.^(۱)

(تصویر - ۱۹)

موضوع طرح: از تبلور فرهنگ و هنر مردم این مرز و بوم در گذر زمان، ساخته هایی بس ارزشمند در آبادانی بستر زیستی و معماری بومی هر سرزمین، جرم مادی به خود گرفت و سیمای دلپذیر آن جلوه های تازه ای برای جهانیان به ارمغان آورد. دریغ که در رویدادهای روزگاران برخی به یغما رفت ولی برخی برای نسل نو به یادگار ماند.

آن یادگار های کهن نشان از جاودانگی هنر و پویایی فرهنگ دارند که بسته هوشمندی و درایت نسل امروزی، بهره خود از میراث پدری غنیمت داند و بهره فرزندان از سهمیه پدران رادر

جایگاهی امن و دور از دستبرد یغماگران دوران نگهداری کند. با شناسایی رمز رونق زندگی در هر آبادی، بنای تاریخی، بافت سنتی شهر قدیم و اشیاء باستانی، شیوه شکل گیری و برپایی، راز پیدایش و دوام آن ها، راه گذشته را باز شناخته و با این کوله بار به آستانه آینده راه باز کند.

سیمای اصیل این گونه آثار که ردیفی از آنها نشان دهنده سیر تحول آبادانی و معماری در بر محور زمان است، از جمله مفاهیمی است که کم و بیش از موضوع طرح و نقش نشان این انجمن انتظار می رود. شایسته این که نشان موضوع طرح جلوه گر سیمای منظرگاهی خوشآیند و شاخصی استوار از تعادل پایدار باشد که یادگاری از مردم هنرمند بومی و بنیادی اصیل از معماری این سرزمین است.

در جستجوی نقشی که نشان از ایستایی پایدار و ترکیبی آشنا در هنر این مرز بوم داشته باشد، کتاب باستان شناسی ایران باستان بررسی گردید، پس از برگزیدن طرح مطلوب، در دیگر کتاب های باستان شناسی با مضمون نشانه هایی همانند نقش برگزیده، بسیاری از نقش های شایسته هم سنگ مشاهده شد که خود تأییدی بر درستی این انتخاب بود.

لوحه ۱۲۳ الف - ب) از کتاب (باستان شناسی ایران باستان)^(۲) شامل دو تصویر از دو ظرف مشابه سفالی نقش دار

۱- لوحه ۱۲۳. لرستان، تصویر: ب. همان منبع.

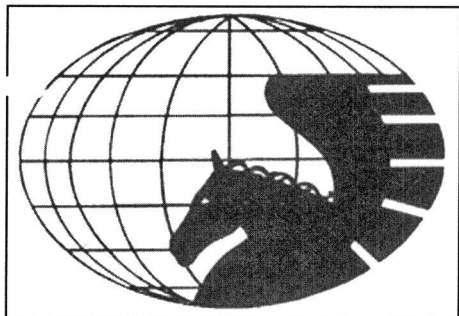
۲- باستان شناسی ایران باستان، تألیف: لوئی واندنبرگ. ترجمه عیسی بهنام. انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۰۶۹. سال ۱۳۴۸.

۳- DIEULAFOY, L' ART, vol.IV p. 77-78, pl. XVIII. - HERTZFELD. Arch. History p. 91 fig. 12 et 13

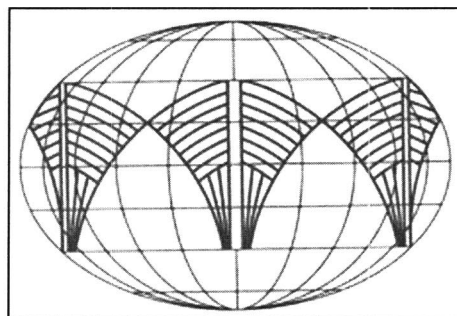
در صفحه ۲۵۴ کتاب یادشده، تحت عنوان (لرستان) آمده است:

«لرستان: لوحه ۱۲۳ الف - ب) سفال متقوش، موزه لوور از کتاب نامبرده در شماره ۱۰۸» لوحه ۱۹ ش. ۳ و ۴.

«در حدود سال های ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰ در بازار عتیقات در تهران، لندن و پاریس و شهر های دیگر اشیائی از برنز و آهن نمودار شد که به نام برنز لرستان نامیده شد»



(طرح - ۲۱): طرح نقش نشان ایکوموس مرکز پاریس



(طرح - ۲۰): طرح منتخب و مصوب نقش نشان (مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران).

انواع آن‌ها را در پنج گروه طبقه بندی کرده‌اند که به شرح موجز مشتمل است بر:

الف - اشیاء مرصع‌ها.

ب - اشیاء مربوط به زین و برگ اسب.

ج - اشیاء زینتی.

د - اشیاء تشریفاتی.

هـ - اشیاء و لوازم مذهبی

تمام این اشیاء از قبرهای مجزی بدست آمده که هر کدام در نقطه‌ای از کوهستان شمالی لرستان مانند ناحیه هرسین و خرم آباد و اشتهر پخش بوده است.

برای این که اصلاحات بیشتری راجع به داورستان‌های لرستان بدست آید در سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۳۴ هیأتی تحت سرپرستی آقای اشمیدت تصمیم گرفت تفحصاتی در دره‌های رامشکان و سیمره در جنوب لرستان به عمل آورد.

The Holmes Lorestan Expedition. The American Institute for Persian Art and Archaeology.

- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به صفحه‌های ۹۱ - ۹۳ باستان شناسی ایران باستان. و همچنین

(ف.ک. ۱۹۷ - ۱۹۸) ردیف ۱۹۷ و ۱۹۸ از فهرست کتاب‌های مرجع همان کتاب.

۱ - ترسیم رایانه‌ای طرح با همیاری آرش بوستانی، علیرضا شاه‌محمد پور صورت پذیرفت.

است که در زمانی میان سال‌های ۱۹۲۸ - ۱۹۳۰ به همراه اشیاء برنزی متعددی از لرستان بدست آمده است.^(۳)

هرچند که هر دو طرح (لوحه ۱۲۳ الف و ب) که شرح آن‌ها در ردیف نهم و دهم این نوشته مورد اشاره قرار گرفت، همانند یکدیگر به نظر می‌رسد. اما نقش (لوحه ۱۲۳ - ب) به لحاظ رسا بودن ترکیب نقش و نمایش ساده تر اتکای دو مجموعه به یکدیگر و ایستایی پایدار دو ستون میانی طرح به یکدیگر که در ضمن محور تقارن دو قوس متکی بر یکدیگر در دو طرف این محور است پذیرفته شد. باشد که در اتکای به یکدیگر و به اتفاق هم بتوان قدم‌هایی شایسته برای حفظ ارزش‌های فرهنگی، اموال فرهنگی و بناها و اماکن تاریخی برداشت و همچون دیگر جماعات پیشرو، بناها و اماکن تاریخی را در حد بهره برداری‌های فرهنگی مورد رسیدگی شایسته قرارداد.^(۱) (طرح - ۲۰)

مفاهیم پنهان در طرح نقش و ترکیب هماهنگ آن با بستر نقش که شمای عمومی آن با طرح ایکوموس همسازی مطلوبی داشت، زمینه ساز بهره برداری و انتخاب آن برای نقش نشان انجمن ملی بناها و اماکن تاریخی ایران گردید، این طرح پس از تصویب اعضای مؤسس و تصویب اساسنامه «مؤسسه فرهنگی ایکوموس ایران» رسماً ثبت رسید. طرح ۲۱